



نبرد

جزیره

خلیج فارس، قشم، سال ۸۸۵ شمسی

◀ جناب آلبوکرک! درست است که ساخت قلعه ۳۰ سال طول کشید اما زحمات ما برای کشورمان پرتغال، نتیجه‌ی خوبی خواهد داشت.

- بله رافائل، درست است. این قلعه‌ی محکم باعث می‌شود ما حسابی به جزیره‌ی قشم و خلیج فارس مسلط شویم و کالا وارد کنیم. ایرانی‌ها هم مجبورند کالاهای ما را بخرند. آن‌ها هرگز نباید به فکر تولید برای خودشان بیفتند.

◀ کاملاً درست می‌فرمایید قربان!

فارس، عمارت امام‌قلی‌خان، ۱۱۷ سال بعد

◀ پسرهای عزیزم کجایید؟

- بله پدر در خدمتیم.

◀ فرزندانم! کارهای گوناگون قدری خسته‌ام کرده‌اند. به کمکتان نیاز دارم.

● درست می‌گویید پدر جان. ساخت جاذه‌ها، پل رودخانه‌ی «کُر»، کتابخانه‌ی بزرگ، و مکان‌های استراحت بین‌جاذه‌ای، زیباسازی شیراز و جمع‌کردن اندیشمندان در فارس.

■ جنگ‌های پدر با دشمنان غربی و شورشیان داخلی را یادت رفت.

• محمّدعلی ارجمند
• تصویرگر: مریم میرحسینی



◀ همه باید به میهنمان خدمت کنیم. اما

- اما چه پدر؟

◀ غصه‌ی جنوب کشور را دارم. الان بیش از ۱۰۰ سال است که پرتغالی‌ها آنجا را اشغال کرده‌اند. دیگر باید فکری کنیم.

● پدر، پرتغالی‌ها پنج کشتی جنگی بزرگ، دو کشتی کوچک و ده‌ها قایق مسلح دارند.

■ برادر، دو کشتی دیگر را نگفتی. همان که سی توپ جنگی بر رویش است.

◀ عزیزانم. من فکری دارم. شاه، به انگلیسی‌ها اجازه‌ی تجارت در ایران را داده است. باید آن‌ها را وادار کنیم به خاطر این لطف شاه، با کشتی‌ها و سربازانشان به ما کمک کنند.

جنوب ایران، حوالی قشم، چند ماه بعد

○ درود بر امام‌قلی‌خان، سپهسالار همیشه پیروز ایران!

◀ درود بر تو سردار شجاع؛ پولاد بیگ!

○ سردار! تمام کشتی‌ها و سربازان انگلیسی و ایرانی آماده‌ی دستور حمله هستند.

◀ زنده باد ایران عزیز! حمله!

قلعه‌ی پرتغالی‌ها، دو هفته بعد

■ فرمانده فریه‌را! با اینکه تعداد زیادی از ایرانی‌ها را کشته‌ایم، حریفشان نیستیم. دو قسمت از قلعه فرو ریخته است. کشتی «سان پدرو» را هم آتش زده‌اند.

● بله! بعد از دو هفته نبرد، حریف ایرانی‌ها نشده‌ایم. آن‌ها فرمانده شجاع و زرنگی مثل امام‌قلی‌خان دارند! برو پرچم سفید را بالا ببر.

ساحل قشم، ۱۰ اردیبهشت ۱۰۰۲ شمسی

■ امام‌قلی‌خان! لطفاً اجازه بده از طریق عمان به هندوستان و از آنجا به کشورمان برگردیم.

◀ فرمانده «فریه‌را»، شما ۱۱۷ سال اینجا را اشغال و غارت کردید. باید هم به کشورتان برگردید. بروید و دیگر این طرف‌ها پیدایتان نشود.*

* برداشتی آزاد از متون دوره‌ی صفویه: سفرنامه‌ی دلاواله - سفرنامه‌ی تاورنیه - تاریخ عالم‌آرای عباسی.

